



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۲۹ آبان ۱۴۰۳

مصادف با: ۱۷ جمادی الاولی ۱۴۴۶

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۲. تورم - تقسیمات تورم به اعتبارات مختلف - ادامه تقسیم دوم -

۱. تورم خزنده - ۲. تورم رونده - ۳. تورم سواره - تقسیم سوم: ۱. تورم کششی تقاضا - ۲. تورم فشاری هزینه -

۳. تورم ساختاری - تقسیم چهارم: تورم مثبت و منفی - تقسیم پنجم: تورم آشکار و پنهان

جلسه: ۱۷

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از تورم که جنبه موضوع شناسی دارد برای بحث اصلی ما، رسیدیم به تقسیمات مختلف تورم به اعتبارات گوناگون. عرض کردیم تورم دارای انواعی است که این انواع به اعتبار تقسیم‌های متعدد پدید آمده است. بدیهی است که در هر یک از این تقسیمات، یک جهت و معیار خاصی مورد نظر قرار می‌گیرد. ما دو تقسیم را ذکر کردیم؛ تقسیم اول به اعتبار آمیخته شدن یا نشدن تورم با امور دیگر، این بود که تورم گاهی به صورت رکود تورمی پدید می‌آید و گاهی این آمیختگی وجود ندارد.

ادامه بحث در تقسیم دوم

تقسیم دوم به ابرتورم و غیر آن بود. بدیهی است که این تقسیم به اعتبار سرعت رشد تورم صورت گرفته؛ یعنی اگر نرخ رشد تورم به شدت بالا برود، به گونه‌ای که مثلاً ماهانه شاهد ۵۰ درصد تورم باشیم، ابرتورم پدید می‌آید. غیر ابرتورم، خودش چند قسم است؛ چون همه اینها به سرعت رشد نرخ تورم مربوط است. لذا در ادامه تقسیم دوم می‌توانیم بگوییم تورم گاهی شدید و گاهی ضعیف است و گاهی بسیار شدید. اصطلاح دیگری هم برای آن به کار می‌برند: تورم خزنده، تورم رونده و تورم سواره، یعنی تورمی که به شکل خیلی شدید ظاهر می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم تقسیم دوم را کامل کنیم، باید بگوییم تورم گاهی خفیف یا ضعیف است.

۱. تورم خزنده

منظور از تورم خفیف یا خزنده یا ضعیف، این است که نرخ تورم به طور متوسط بین ۲-۳ درصد یا ۵ درصد باشد؛ به این تورم خزنده یا خفیف می‌گویند. تورم متعارف در دنیا، مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته، همین ۲-۳ درصد است. البته کشورهای توسعه یافته در مقاطعی گرفتار تورم شدید و بسیار شدید هم شده‌اند، حتی گرفتار ابرتورم؛ نمونه‌هایی از ابرتورم در کشورهای اروپایی مثل فرانسه، آلمان، اتریش پیش آمده و دقیقاً همین مشکلاتی که ما در این ایام با آن مواجه هستیم، آنها هم داشتند. مخصوصاً بعد از جنگ، این اتفاق افتاد؛ در بین کشورهای اروپایی، شاید آلمان و اتریش که ناچار بودند به عنوان آغازگران جنگ جهانی دوم غرامت‌هایی را بپردازند، گرفتار تورم‌های شدید و مشکلات ناشی از آن شدند. یا مثلاً فرانسه در یک مقطعی این گرفتاری‌ها را داشت.

۲. تورم رونده

قسم دوم و نوع دوم، تورم رونده یا شدید است. این نوع از تورم زمانی پدید می‌آید که نرخ رشد تورم بین ۲۰-۲۵ درصد در سال باشد؛ یعنی تورم ۲۰-۲۵ درصدی به عنوان تورم شدید محسوب می‌شود. لذا در یک اصطلاح دیگر، از آن تعبیر می‌کنند

به رونده، یعنی در حال حرکت و حرکت آن هم قابل توجه است، در مقابل تورم خزنده که حرکت دارد اما به آرامی حرکت می‌کند.

۳. تورم سواره

نوع سوم، تورم بسیار شدید است؛ تورم بسیار شدید، تورم با نرخ رشد ۵۰ یا ۶۰ درصد در سال است.

پس تقسیم دوم که یک قسم آن را در جلسه گذشته بیان کردیم، تورم را به سه قسم خفیف، شدید و بسیار شدید تقسیم می‌کند.

تقسیم سوم

تقسیم سوم به اعتبار علت‌های پدید آورنده تورم است. ما قبلاً درباره علل تورم توضیح دادیم؛ شش یا هفت عامل را به عنوان علت تورم ذکر کردیم؛ اعم از اینکه اینها قابل بازگشت به یک عامل باشند یا نباشند، به هر حال تأثیرگذاری جدی - یا به نحو مستقیم یا به نحو غیرمستقیم - در تورم دارند. برخی عوامل مستقیماً در تورم اثر می‌گذارند و برخی عوامل موجب می‌شوند که یکی از علت‌های اصلی تورم پدید آید. به هر حال با قطع نظر از این تفاوتی که در انواع علت‌های تورم وجود دارد، به لحاظ علل اصلی‌تر، تورم را به سه قسم تقسیم می‌کنند: تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه، تورم ناشی از ساختار. گاهی تعبیرات دیگری هم برای آن به کار می‌برند. چون این سه علت را ما قبلاً توضیح دادیم، دیگر نیازی نیست به شرح آن بپردازیم. فقط اجمالاً عرض کنم که:

۱. تورم گشایی تقاضا

یک قسم از تورم‌ها مربوط به افزایش تقاضا است؛ وقتی تقاضای بیشتر برای کالا یا خدمت وجود داشته باشد به گونه‌ای که تولید کالا یا خدمت نتواند به این تقاضا پاسخ بدهد، این باعث افزایش قیمت می‌شود. پس یک نوعی از تورم ناشی از فشار تقاضا و افزایش تقاضا است.

۲. تورم فشاری هزینه

نوع دوم، تورم ناشی از فشار هزینه است؛ تورم ناشی از فشار هزینه مربوط می‌شود به آن دسته از افزایش‌های قیمت‌ها که به خاطر بالا رفتن هزینه‌های تولید پدید می‌آید. این خودش مشکلاتی ایجاد می‌کند؛ مثلاً برای اینکه یک تولیدکننده از هزینه‌های خودش کم کند و حاشیه سودش را بیشتر کند، دست به تعدیل و اخراج نیرو می‌زند و در نتیجه نرخ بیکاری افزایش پیدا می‌کند.

۳. تورم ساختاری

نوع سوم، تورم برآمده از ساختار است؛ ساختار اداری، بروکراسی حاکم بر یک کشور، سیستم‌ها و سازمان‌های مربوط به حمل و نقل، پشتیبانی و خدمات، اینها خود به خود باعث افزایش قیمت می‌شود. این هم یک تقسیم برای تورم به اعتبار علتی که تورم را پدید می‌آورد.

تقسیم چهارم: تورم مثبت و منفی

تقسیم چهارم برای تورم، تقسیم به تورم مثبت و تورم منفی است.

۱. تورم مثبت

تورم مثبت همانطور که از نامش پیداست، یعنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها. این افزایش سطح عمومی قیمت‌ها از جهتی مثبت است. دقت کنید که آن حیث تقسیم تورم به مثبت و منفی چیست. تورم مثبت یعنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها؛ تورم

منفی به معنای کاهش سطح عمومی قیمت‌هاست. حالا چطور کاهش سطح عمومی قیمت، منفی است و افزایش مثبت است؟ ما که این همه از تورم و آثار مخرب آن بر اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اخلاق سخن می‌گوییم، مگر تورم می‌تواند مثبت باشد؟ یا ما مشاهده می‌کنیم که اقتصاددانان و برنامه‌ریزان و حاکمان در همه کشورهای تلاش می‌کنند که قیمت‌ها کاهش پیدا کند، یعنی سطح عمومی قیمت‌ها پایین بیاید که این به معنای افزایش ارزش پول ملی است؛ آن وقت چطور می‌تواند این منفی باشد؟ این تورم چطور می‌تواند مورد پسند نباشد؟

۲. تورم منفی

در تورم منفی، سخن از کاهش قیمت‌هاست؛ یعنی سطح عمومی قیمت‌ها با ملاحظه همان شاخص‌هایی که وجود دارد، پایین می‌آید. ما نمونه این را در بعضی از کشورها مثل ژاپن، در یک دوره‌ای شاهد بودیم که مثلاً تورم ۱- یا ۲- درصد داشتند؛ به جای اینکه عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین بالا برود، کاهش پیدا کرد. اما در این شرایط حتی خود متصدیان امر و دولت‌ها تلاش می‌کنند که این اتفاق نیفتد؛ یعنی جلوی تورم منفی را می‌گیرند. چرا؟ وقتی تورم منفی می‌شود، طبیعتاً هزینه‌های تولید را پایین می‌آورد و آن تقاضایی که باید ایجاد شود و موجب تحرک اقتصادی شود، کاهش پیدا می‌کند. اگر نرخ تورم منفی باشد، این منجر به کاهش تقاضا می‌شود. درست نقطه مقابل افزایش نرخ تورم؛ چون وقتی نرخ تورم در حال افزایش است، مردم به خاطر ترس از گران‌تر شدن در آینده، اگر امکانی برای آنها فراهم باشد، شروع به خرید می‌کنند و این خودش باعث بالا رفتن تقاضا می‌شود. اگر تقاضا بالا برود و عرضه قدرت پاسخ دادن به این تقاضا را نداشته باشد، طبیعتاً این خودش یک افزایش قیمت دیگری را رقم می‌زند. با توجه به اثری که تورم منفی در کاسته شدن از تقاضا دارد، قهراً سودی که برای تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات حاصل می‌شود، کم می‌شود. اینها برای اینکه جلوی کاسته شدن از سود خودشان را بگیرند، ناچار به تعدیل نیرو و اخراج کارگران می‌شوند و این موجب افزایش نرخ بیکاری می‌شود. این هم عجیب است که هم تورم منفی بیکاری را به دنبال دارد و هم تورم در صورتی که از حد متعارف بالاتر باشد.

پس معنای تورم منفی معلوم شد و مشخص گردید که تورم منفی مطلوب متصدیان امر اقتصاد و به طور کلی دولت‌ها نیست؛ چون انگیزه کار اقتصادی که مبتنی بر کسب سود بیشتر است را از بین می‌برد یا ضعیف می‌کند. برای همین است که در مثالی که عرض کردم، دولتمردان آن کشور برای جلوگیری از این امر، سیاست‌هایی را اتخاذ کردند که تورم مثبت شود؛ منتها تورم مثبت که هم برای تولیدکنندگان کالا و هم ارائه‌دهندگان خدمات صرف کند و هم به مردم فشار نیاید و آن مشکلات را ایجاد نکند، تورم ۲-۳ درصدی است که معمولاً در همه کشورهای پیشرفته حداقل این مقدار تورم وجود دارد. اما اگر تورم مثبت از این حد بیشتر شود، آنجا مشکلات خاص خودش را دارد.

پس تورم در یک تقسیم، به دو نوع تورم منفی و تورم مثبت تقسیم می‌شود؛ تورم مثبت هم خودش مراتب دارد، همانطور که تورم منفی مراتب دارد؛ ولی تورم منفی شاید تا به حال بیش از این ۱-۲ درصدی که عرض کردم، اصلاً اتفاق نیفتاده است؛ ما هیچ وقت تورم ۵- یا ۱۰- یا ۲۰- درصد را شاهد نبودیم. تورم مثبت از ۲-۳ درصد شروع می‌شود تا ۵۰ درصد در ماه. لذا این مراتب در تورم مثبت بیشتر است و ملاحظه فرمودید که ما از این جهت که سرعت رشد نرخ تورم کم باشد یا متوسط باشد یا خیلی زیاد، آن را تقسیم به سه قسم کردیم و توضیح دادیم.

تقسیم پنجم: تورم آشکار و پنهان

تقسیم دیگر برای تورم، تقسیم به تورم آشکار و تورم پنهان است.

۱. تورم آشکار

تورم آشکار تورمی است که بالعیان همه آن را می بینند و رسماً توسط مقامات مربوطه تأیید می شود. الان آمار رسمی تورم توسط نهادهای داخلی و نهادهای بین المللی اعلام می شود؛ در کشورها معمولاً مرکزی مخصوص وجود دارد که نرخ تورم را به صورت سالانه، نقطه به نقطه و براساس شاخص های تعریف شده اندازه گیری و اعلام می کند. مثلاً مرکز آمار ایران هر ساله نرخ تورم را به صورت رسمی اعلام می کند. اینکه این تا چه حدی مطابق با واقعیت باشد یا تا چه اندازه از واقعیت دور باشد، این بحث دیگری است؛ بستگی به آن مرکز یا دولتی دارد که این را اعلام می کند. البته گاهی خلط هم صورت می گیرد؛ مثلاً نرخ تورم را با یک فرمولی نسبت به بعضی کالاها حساب می کنند؛ ولی از ناحیه برخی این مورد اشکال قرار می گیرد؛ بحث هایی در اینجا وجود دارد که خیلی مهم نیست. مهم این است که این تورم به صورت آشکار وجود دارد؛ حتی ممکن است توسط مقام رسمی هم اعلام نشود. فرض کنید تورم واقعی در این کشور ۲۵ درصد یا ۳۰ یا ۴۰ درصد باشد؛ حالا مرکز آمار این را ۲۰ درصد اعلام کند؛ این تأثیری ندارد. اگر یک مرکز یا دولتی آمار واقعی را کتمان کند و اعلام نکند، این معنایش آن نیست که تورم آشکار وجود ندارد یا کمتر است. تورم آشکار یعنی آن تورمی که به حسب واقع در جامعه وجود دارد؛ حالا گاهی مقامات رسمی این را اعلام می کنند و همه واقعیت را بیان می کنند، گاهی همه واقعیت را بیان نمی کنند. پس تورم آشکار شامل هر دو می شود؛ این تورم آشکار گاهی واقعی است و گاهی غیرواقعی است؛ یعنی خلاف می گویند. پس منظور آن نیست که آن چیزی که فقط مرکز آمار می گوید؛ بلکه یعنی آن چیزی که اگر با یک شاخص مورد قبول اندازه گیری شود، نتیجه معلوم است و این افزایش دیده می شود.

۲. تورم پنهان

تورم پنهان در واقع افزایشی است که به صورت ظاهری دیده نمی شود؛ برای اینکه این قسم از تورم معلوم شود، مثال می زنم. شما حتماً با این مواجه شده اید که وزن برخی از کالاهای مصرفی را کم می کنند یا کیفیت را پایین می آورند؛ مثلاً پنیری که باید نیم کیلو باشد، ۴۵۰ گرم می شود؛ بسته بندی همان است ولی به جای ۵۰۰ گرم، تبدیل می شود به ۴۵۰ گرم؛ یا آن مقداری که باید از آن کالا در بسته بندی بریزند، ۵ درصد کم می کنند و همه هم فکر می کنند این همان مقدار است. یا اینکه کیفیت را پایین می آورند؛ طبیعتاً کم کردن از کمیت و کیفیت، نفع آن به جیب تولیدکننده می رود. این یعنی در واقع افزایش قیمت، منتها یک افزایش آشکار نیست و افزایش پنهان است؛ به جای اینکه قیمت این مقدار کالا را در این بسته بندی بالا ببرند، از یک راه دیگری این کار را می کنند و کیفیت محصول و اندازه آن را کم می کنند. این همان بالا رفتن سطح عمومی قیمت هاست. حالا من یک کالای خاص را مثال زدم، برای اینکه تقریباً به ذهن شود؛ شما فرض کنید در سبد کالایی مورد نظر این اتفاق بیفتد، همه اجناس را اینگونه عرضه کنند و در کیفیت آن دست ببرند و آن را کاهش بدهند و کمیت آن را هم تغییر بدهند؛ این می شود تورم منفی. الان در خودرو هم پنهان و هم آشکار هر دو با هم انجام می شود؛ یعنی هم رسماً قیمت ها را بالا می برند ... این گرانی خودرو است؛ اگر این در همه سبد کالایی اتفاق بیفتد، می شود تورم. حالا من مثال می زنم و این موجب سوء برداشت نشود؛ هم آشکار گران می کنند و هم پنهان. گرانی آشکار معلوم است؛ پنهان هم این است که از کیفیت جنس کم می کنند و هر دفعه یک قطعه ای را نمی گذارند.

بحث جلسه آینده

اینها انواع تورم است. تقریباً عمده انواع تورم را ذکر کردیم؛ یک مطلب دیگر هم باقی مانده که این را هم عرض کنیم، ان شاء الله بحث از تورم تمام می شود و کم کم وارد بحث اصلی می شویم، و آن آثار شوم تورم است؛ این آثار را یک اشاره ای می کنیم؛ برای اینکه به لحاظ این آثار می توانیم حکم به عدم ضمان کنیم؟ آیا در ضمان این آثار را باید لحاظ کنیم یا نه؟ این مطلبی است که ان شاء الله دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»